

ارزیابی قوانین ناظر بر پیشگیری از جرائم اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی

علی یوسف زاده^۱

محمد عارف^۲

چکیده

مسئله مبارزه با فساد اقتصادی زمانی اهمیت دو چندان می‌یابد که با توجه به شرایط کنونی کشور، بیانات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته شود. در چنین حالتی باید جرائم اقتصادی که همچون سدی در برابر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی می‌باشند مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند و همچنین سیاست جنایی ایران در قبال این جرائم مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی با هدف بررسی جرائم اقتصادی، با بهره‌گیری از کلیه منابع علمی به ارزیابی قوانین ناظر بر پیشگیری از جرائم اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود و در آن مشخص می‌گردد که جرائم اقتصادی وفق تبصره ماده ۳۶ شامل رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پول شویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی می‌باشند. اما باید گفت صرف تعیین مجازات شدید برای مبارزه با جرائم اقتصادی کافی نیست و در کنار تعیین مجازات معقول و منطقی باید تغییراتی در شیوه رسیدگی به جرائم اقتصادی و همچنین تغییراتی در قوانین نظارتی صورت پذیرد. و همچنین قوه قضاییه به سه طریق می‌تواند با جرائم اقتصادی مقابله نماید: نخست: تهیه لوایح (مطابق با اصل ۱۵۸ قانون اساسی) دوم: اقدامات پیشگیرانه (مستند به اصل ۱۵۶ قانون اساسی) و سوم کشف جرم و تعقیب متهمین اقتصادی (مستند به اصل ۱۵۶ قانون اساسی)

کلیدواژه‌ها: جرایم اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اختلاس، ارتشاء، مجازات، قانون مجازات اسلامی

طرح مساله

مفاسد اقتصادی از جمله واژگان دیرآشنایی است که حداقل در یک دهه اخیر بالاترین میزان استعمال را به خود اختصاص داده است. همه به دنبال ابراز پاک‌دستی خود و نشان دادن تلاش‌هایشان برای فراهم کردن محیطی عاری از سوءاستفاده‌های اقتصادی و مالی هستند که منجر به تلنبار شدن ثروت‌های بادآورده می‌شود. با عمیق‌تر شدن شکاف میان فقیر و غنی و فاصله افتادن میان توانایی و تحقق آرزوهای حداقلی ایرانیان از سویی و ایجاد «قله‌های ثروت» که معمولاً در کنار گودال‌های عمیق فقر سر

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

برآورده‌اند زمینه‌های عینی ضرورت مواجهه با مفاسد اقتصادی را که نه در راستای «تولید ثروت ملی» است و نه منفعتی عمومی به دنبال دارد را آشکار کرده است. با توجه به این واقعیت که فساد مالی و اقتصادی امروزه به معضلی جهانی تبدیل شده است و تمامی کشورهای جهان اعم از توسعه‌یافته، در حال توسعه و جهان سوم از پیامدهای مخرب آن در امان نمی‌باشند، بحث در خصوص اقدامات و تدابیری که بتوانند از بروز چنین معضلی پیشگیری نماید و یا اینکه در صورت وقوع آن، مرتکبین را مجازات و خسارات وارده را جبران کند اهمیتی دوچندان می‌یابد.

بر پایه این مسئله که مهم‌ترین عامل اجتماعی موجد فساد، جهل و عدم آگاهی عمومی نسبت به ماهیت فساد، پیامدهای وخیم آن و چگونگی مقابله با آن است، در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که هدف عمده از توسل به آن، ارتقای سطح آگاهی و هوشیاری همه اعضای جامعه نسبت به پدیده فساد و نحوه مقابله با آن است که در نهایت موجبات پیشگیری از بروز رفتارهای فسادآلود را فراهم می‌آورد. بحث در خصوص اهمیت و ضرورت وجود چنین برنامه‌ای و محتوای ماهوی آن نیز جایگاهی ویژه در این نوشتار دارد. در حالت کلی، انواع فساد اقتصادی را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد: دزدی و سوءاستفاده از امکانات و اموال دولتی توسط کارمندان دولت، پرداخت رشوه برای نادیده گرفتن نقض قوانین و مقررات از جانب رشوه دهنده، پرداخت رشوه برای تبعیض در اعطای فرصت‌ها و امکانات دولتی به بخش خصوصی، پرداخت رشوه به قانون‌گذاران برای تغییر قوانین به نفع گروه‌های خاص در بخش خصوصی و پرداخت رشوه به مسئولان قوه قضائیه برای اعمال نفوذ در قضاوت، رویکرد قوه قضائیه در مبارزه قاطعانه با مفاسد اقتصادی و توأمان حفاظت و صیانت از «امنیت اقتصادی» این شرایط را به وجود آورده است که قوه قضائیه بتواند نقش خود را در تحقق «اقتصاد مقاومتی» ایفا نماید. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است که برای دستیابی به اهداف مورد نظر مشخص شود جرائم اقتصادی چه جرمی هستند و قوانین ناظر بر جرائم اقتصادی هم از لحاظ تشریفات دادرسی و از لحاظ میزان مجازات قانونی آن‌ها آیا می‌توانند از اقتصاد مقاومتی حمایت کنند؟ و با توجه به اثرات بازدارندگی اندک نیاز به بازنگری در کدام یک از قوانین ناظر بر جرائم اقتصادی وجود دارد؟ قوه قضائیه در حمایت از اقتصاد مقاومتی چگونه می‌تواند با این جرائم مقابله بکند؟

۱- پیشگیری از جرائم اقتصادی از منظر رعایت اخلاق حرفه‌ای

راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری از جرائم اقتصادی از منظر رعایت اخلاق حرفه‌ای عبارتند از:

۱-۱. اعلام دارایی و وضعیت مالی

اعلام و افشای اطلاعات مربوط به دارایی (عمدتاً مالی)، یکی از شیوه‌های پیشگیری از بروز فساد و معیار افزایش میزان پاسخگویی است. (رهبر، ۱۳۸۱، ۱۶۵) که می‌تواند ساز و کاری مناسب برای دستیابی به اهداف و تحقق آرمان‌های اقتصاد مقاومتی باشد. «هدف این شیوه غیرمستقیم مقابله با فساد، ایجاد می‌کند که دولت‌ها، مقامات عمومی را که دارایی‌هایشان طی دوره تصدی به شکل نامعقولی افزایش یافته و با توجه به عواید و درآمدهای قانونی‌شان دلیلی برای چنین افزایشی وجود نداشته است تحت پیگرد و مجازات قرار دهند.

۱-۲. اشخاص ملزم به اعلام دارایی

در بسیاری از کشورها، کارمندان عالی‌رتبه باید صورت دارایی خود را اعلام نمایند. این مقام‌ها می‌توانند وزیران کابینه، اعضای پارلمان و مسئولین بلندپایه اجتماعی باشند.

در بسیاری از نقاط جهان این بحث مطرح است که مقررات اصلی راجع به حفظ صداقت در خدمات عمومی باید با الزام همه افراد متأثر از آن و نیز بستگان نزدیک، به اعلام درآمد، دارایی‌ها و دیون خود تکمیل شوند. این نظریه مورد حمایت نهادهای بین‌المللی قرار گرفته و رویکردی است که به نظر می‌رسد می‌تواند در کاهش سریع میزان فساد مؤثر باشد. (رهبر، ۱۳۸۱، ۲۳۷) در حقوق داخلی، اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی به این مهم پرداخته است و مقرر می‌دارد: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران، همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد». هم‌چنین طبق ماده ۱ «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری، شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹»: «کلیه وزرا و معاونین و سایر کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها و اعضای انجمن‌های شهر و کارمندان مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و هم‌چنین کلیه کارمندان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سرمایه یا منافع آن متعلق به دولت یا سایر مؤسسات مذکور است و یا نظارت یا اداره یا مدیریت آن مؤسسات با دولت است و نیز کلیه کسانی که از خزانه دولت یا از مؤسسات مذکور پاداشی دریافت می‌کنند؛ به استثنای بازنشستگان یا کسانی که وظیفه یا مستمری قانونی دارند؛ مکلف هستند صورت دارایی درآمد خود، همسر و فرزندان را که قانوناً تحت ولایت آن‌ها هستند؛ به مراجع صالح تسلیم و رسید دریافت دارند». اما با توجه به این که قانون فوق‌الذکر جزء قوانین متروک می‌باشد، هرچند که خود قانون نیز با توجه به دایره وسیع شمول آن عملاً امکان اجرا ندارد؛ در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای تصویب قانونی راجع به این موضوع از سوی مجلس و دولت صورت گرفته است. از جمله طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران که در مورخ ۱۳۸۶/۴/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده لیکن با ایرادات شورای نگهبان مواجه گردیده است.

در این طرح برخلاف وسعت شمول قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت مصوب ۱۳۳۷، موضوع را به اشخاص دارای سمت‌های حکومتی بالا و در معرض فساد مانند اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل و بازرسان مناطق آزاد تجاری و ذی‌حساب‌ها محدود نموده است و در مورد سایر کارکنان دولت، تنها در صورت درخواست رئیس سازمان بازرسی کل کشور موظف به اعلام فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود می‌باشند که این امر قابل توجیه می‌باشد و جزء نکات مثبت طرح بوده و امکان اجرای عملی آن را بیشتر می‌نماید.

با توجه به تمثیلی بودن اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی این‌گونه استدلال می‌شود که سکوت قانون‌گذار در این اصل در خصوص سایر مقامات، دلیلی بر منع قانون‌گذاری نیست بلکه قانون‌گذار اساسی به دلیل اهمیت و جایگاه شغلی مقامات عالی‌رتبه قوه مجریه و ارتباط نزدیک و قابل توجه آن با مسائل مالی، مقرراتی در خصوص رسیدگی به دارایی‌های این مقامات وضع کرده است و در خصوص بقیه افراد نیز دلیلی بر ذکر آن نمی‌دیده است.

هم‌چنین می‌توان گفت وقتی دارایی رهبر، رئیس‌جمهور و وزیران قابلیت رسیدگی دارد، به طریق اولی دارایی سایر مقامات که از لحاظ شأن و مقام پایین‌تر از افراد مذکور هستند نیز قابلیت رسیدگی دارد.

۳-۱. شمول وضعیت اعلام مالی و دارایی

در برخی کشورها شمول دارایی به کلیه اموال غیرمنقول، مطالبات و حقوق متعلق به این اموال می‌باشد؛ اما در برخی دیگر شمول قانون بر دیون کارمند نیز تسری می‌یابد؛ استرالیا، کانادا و ایالات متحده چنین ضابطه‌ای را اعمال می‌کنند. (ویلن، ۱۳۸۱، ۱۸) در ایران طبق ماده ۲ قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری، شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹: صورت دارایی شامل ریز کلیه اموال غیرمنقول و حقوق متعلق به آن‌ها و مطالبات و دیون و

حقوق انتفاعی و وجوه نقد، اسناد بهادار، جواهر و اشیا گران بها با ذکر مشخصات آنها خواهد بود. در طرح تحت بررسی رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی صورت دارایی علاوه بر مواد فوق شامل سرمایه گذاری و هرگونه منبع درآمدی دیگر و اموال منقول با ارزش نیز می باشد که البته منظور از قید «با ارزش» مشخص نمی باشد و محل ایراد است، زیرا باعث ایجاد تفسیرهای مختلف گردیده و نحوه عملکرد را سلیقه ای می نماید.

۴-۱. زمان اعلام دارایی ها

در نظام حقوقی ایران؛ مطابق اصل یکصد و چهل و دوم؛ دارایی های افراد مشمول این اصل قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود. قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت مصوب ۱۳۳۷ نیز در تبصره ماده ۱ خود اعلام وضعیت دارایی را موقع ورود به خدمت و نیز ماده ۳ همان قانون اصلاحی ۱۳۴۸/۲/۲۸ اعلام صورت تغییرات دارایی در هر موقع که دولت ضروری بداند را مورد تکلیف قرار داده است.

در طرح رسیدگی به دارایی مسئولان، افراد موضوع این طرح مکلف گردیده اند تا ظرف یک ماه پس از دریافت اظهارنامه که از طرف رئیس قوه قضائیه به آنان تسلیم می شود، صورت دارایی خود و همسر و فرزندان تحت تکفل خود را در آن درج و به مرجع مذکور تسلیم نمایند. هم چنین می بایست هر چهار سال یک بار یا در پایان دوره (اگر از چهار سال کمتر باشد) تغییرات صورت دارایی را تحویل و رسید دریافت دارند.

۵-۱. ضمانت اجرای عدم اعلام دارایی و وضعیت مالی

همان طور که در اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی اشاره شده است رئیس قوه قضائیه وظیفه رسیدگی به دارایی افراد مشروحه در این اصل را دارد. بنابراین به نظر می رسد افراد مذکور در این اصل تکلیف به افشای دارایی خود ندارند بلکه این امر جزء وظایف رئیس قوه می باشد که نسبت به بررسی دارایی این افراد اقدام نماید.

در قوانین عادی نیز قانون موجود در این زمینه، ماده ۴ قانون مرتبط به رسیدگی دارایی وزرا و کارمندان دولت مصوب ۱۳۳۷ می باشد که مقرر نموده اشخاص [مشمول این قانون] در صورتی که در مواعد مقرر صورت های مذکور در این قانون را بدون عذر موجه تسلیم نمایند بار اول به مجازات انفصال و محرومیت از خدمت از یک تا دو سال و در صورت تکرار به مجازات انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و مؤسسات مذکور در ماده ۱ محکوم می شوند.

«تجربه های کشورهای مختلف نشان می دهد که تأثیر قوانین اعلام دارایی، بیشتر در حد ترس و دلهره ای است که ایجاد می کند. نمونه های شناخته شده از مواردی که مقامات عالی رتبه دولتی به دلیل اعلام نادرست وضعیت مالی (حتی در مواقعی که شایعات دولتی وجود دارد) به دادگاه کشانده شده باشند، نادر است. همین طور تعداد مقامات عالی رتبه ای که به دلیل ناتوانی در توجیه و ارائه دلیل افزایش دارایی هایشان از سمت خود برکنار شده باشند زیاد نبوده است. بدتر از همه این که روش پذیرفته شده ای برای بررسی صحت اطلاعات مندرج در اظهارنامه های حاوی دارایی ها و مسئولیت ها وجود ندارد. با وجود این کمبودها باز هم می توان تأکید کرد که سیستم افشای وضعیت دارایی می تواند به خودی خود عامل بازدارنده مفیدی باشد و به پشتوانه سطح بالای انتشار اطلاعات مربوط به اعلام وضعیت مالی در سراسر دنیا، به همراه ساز و کارهای اجرایی مؤثر از جمله ساز و کارهایی برای کنترل درستی یا نقصان اطلاعات می تواند به تلاش کشورها برای کاهش بروز فساد کمک کند.» (پاآتی - افسوس، ۱۳۸۴، ۲۷ - ۲۸)

لازم به توضیح است متأسفانه حتی این ضمانت اجرا نیز در طرح رسیدگی به دارایی مسئولان قید نگردیده و تنها ماده ۱۱ این طرح مقرر می دارد: چنان چه اشخاص موضوع این قانون در مواعد مقرر صورت دارایی مذکور در این قانون را بدون عذر موجه تسلیم نمایند، قوه قضائیه نسبت به رسیدگی به اموال آنان رأساً اقدام خواهد کرد. ماده ۱۲ آن نیز تنها در صورت انتقال دارایی به

نحوه صورتی به دیگری به قصد فرار از تکالیف مقرر، شخص را مجرم تلقی و مجازات حبس از سه ماه تا ۲ سال را پیش‌بینی نموده است. بنابراین، از یک طرف هیچ‌گونه ضمانت اجرایی جهت افشای دارایی از سوی مسئولان مربوط وجود ندارد و از طرف دیگر با توجه به سیستم‌های ضعیف اطلاعاتی جهت دسترسی به میزان دارایی اشخاص، چنانچه سازوکارها و بسترهای لازم جهت تشخیص و دستیابی به این اموال ایجاد نگردد، نتیجه‌بخش نخواهد بود. به‌عنوان مثال جایی که سیستم ثبت املاک کشور تنها بر اساس پلاک ثبتی به ارائه مشخصات مالک و ملک می‌پردازد؛ چه تضمینی حتی برای احراز دارایی و یا صحت اعلام مقامات یاد شده وجود خواهد داشت؟

۱-۶. پذیرش و اعلام هدایا

یکی از راه‌های پیشگیری اجتماعی از فساد اقتصادی و مالی؛ تدوین مقرراتی راجع به اخذ هدایا می‌باشد. در این خصوص رویه کشورها با یکدیگر متفاوت بوده و جرم انگاری‌های متفاوتی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. مضافاً این که این امر در برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، از جمله بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون ملل متحد علیه فساد مالی و ماده ۴ ضمیمه مصوبه مجمع عمومی ملل متحد راجع به کد رفتاری علیه فساد.

۱-۶-۱. انواع هدیه

هدیه شامل دریافت هرگونه مال منقول، غیرمنقول و مزیت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌گردد و حتی می‌توان تأمین هزینه‌هایی از جمله تأمین هزینه مسافرت‌های مقامات را به‌نوعی هدیه گران‌بها تلقی نمود.

در ایران نیز مطابق قانون نظارت بر مسافرت‌های خارجی کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۳، هیأتی متشکل از نماینده رئیس‌جمهور، معاون وزیر اطلاعات، امور خارجه و دستگاه‌های ذی‌ربط مربوطه، دو نفر نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس به‌عنوان ناظر در وزارت امور خارجه تشکیل می‌گردد که کارکنان دولتی مقرر شده در این قانون می‌بایست مسافرت‌های خارجی خود را جهت رفع هرگونه شبهه، مطابق بخشنامه‌های صادره اعلام نمایند. البته قانون فوق‌الذکر از معیارهای کلی و تفسیربردار استفاده نموده است؛ لذا ضروری است که معیارهایی مانند «ارتباط مستقیم موضوع سفر با شرح وظایف اداری شخص مسافرت‌کننده» و اینکه «شخص مناسب‌تر از مسافرت‌کننده در رابطه با موضوع سفر در سازمان وجود نداشته باشد» و «عدم امکان پیگیری و یا نظارت و یا انجام موضوع سفر از طرق دیگر غیر از مسافرت و تصریح به علل عدم حصول نتیجه در سفرهای قبلی در صورت تکراری بودن و یا مشابهت موضوع سفر استناد کرد. تا نظارت بیشتری بر سفرهایی که با بودجه و هزینه عمومی انجام می‌گیرد صورت پذیرد. هزینه‌های مربوط به مهمانی‌ها و پذیرایی‌های بیش از سقف معین مسئولین دولتی به‌عنوان مثال کشور تانزانیا این گونه موارد را نیز مشمول ثبت و اعلان قرار داده است» (همدمی، ۱۳۸۳، ۴۰۴) را می‌توان جزء هدایا محسوب کرد.

۱-۶-۲. محدودیت‌های دریافت هدیه

طبق قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷، قبول هرگونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال، تحت هر عنوان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و کلیه تشکیلات وابسته به آن‌ها ممنوع است. هم‌چنین مطابق ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی اخذ وجه تحت عناوین کمیسیون، حق‌الزحمه پاداش و... در مزایده‌ها و مناقصه‌ها و سایر موارد مصرح، ممنوع و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

مقرر دیگر، ماده ۷۱ مکرر الحاقی به قانون محاسبات عمومی کشور (۱۳۶۶) مصوب ۸۰/۱۱/۲۷ می‌باشد که طبق آن پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۲ آن قانون به دستگاه‌های اجرایی به‌عنوان

کمک یا هدیه به صورت نقدی یا غیرنقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود و مبالغی که به دانشگاه‌های دولتی و احداث خوابگاه‌های دانشجویی دولتی، مؤسسات آموزش عالی فرهنگستان‌ها و بنیاد ایران‌شناسی، طرح‌های تحقیقاتی، جهاد دانشگاهی و حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی، سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) و شرکت‌های صنعتی فناوری و تحقیقاتی و اورژانس پروژه‌های بهداشتی و ورزشی روستایی پرداخت می‌گردد، ممنوع است.

هم‌چنین طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوطه معین شده یا می‌شود، هم‌چنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند، ممنوع است؛ اما در برخی مقررات خاص داخلی و خارجی این موضوع با محدودیت‌هایی روبرو می‌باشد.

۲. تعارض منافع

تعارض منافع یکی از بزرگ‌ترین فسادها به شمار می‌رود زیرا در صورت عدم توجه و نبود ضمانت اجراهای متناسب، هنگامی که منافع شخصی فرد در تعارض با منافع شغلی و دولتی قرار می‌گیرد؛ با میل به حفظ منافع شخصی ارتکاب فساد از جانب مأمور دولتی یا عمومی بسیار محتمل است.

۲-۱. مفهوم تعارض منافع و نمونه‌های آن

ابتدا به تعریف و بیان نمونه‌های آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱. تعریف

«تعارض منافع هنگامی بروز می‌کند که شخصی به‌عنوان مستخدم بخش عمومی در انجام وظایف شغلی خود تحت تأثیر علایق شخصی قرار گیرد. در چنین مواردی تصمیمات بر مبنای دلایل نادرستی اتخاذ می‌شود.» (پاپ، ۱۳۸۵، ۲۲۳) و یا وضعیتی است که اعضای مجلس دسته‌ای از مسائل را بررسی یا به رأی می‌گذارند که خود نفع مالی در آن‌ها دارند.

تعارض منافع حتی در صورتی که تصمیمات درستی اتخاذ می‌شود می‌تواند به اعتبار سازمان لطمه زده و اعتماد عمومی را به‌اندازه تعارض عملی منافع از بین ببرد؛ بنابراین تعارض منافع ممکن است ناشی از ارتباطات رسمی یا به علت تصمیمات اتخاذی در ارتباط با منافع افراد باشد.

۲-۱-۲. نمونه‌های تعارض منافع

تعارض منافع مفهومی موسع می‌باشد که به‌طور خاص و حصری نمی‌توان گونه‌های آن را مشخص نمود؛ لیکن دو نمونه تعارض منافع رایج که خود یکی از گونه‌های فساد اداری - مالی می‌باشد و در جامعه ما نیز شیوع دارد عبارتند از:

۲-۱-۳. خویشاوند گماری

خویشاوند گماری نوع ویژه‌ای از تعارض منافع است. هرچند که این اصطلاح در معنای موسعی به کار می‌رود اما به‌طور دقیق به وضعیتی اطلاق می‌شود که فردی از قدرت عمومی خود برای کسب منفعتی مانند دستیابی به یک شغل برای عضوی از اعضای خانواده خود بهره‌گیرد. (پاپ، ۱۳۸۵، ۲۲۴)

البته باید توجه داشت که ممنوعیت خویشاوند گماری نباید علیه همه خویشاوندان اعمال شود. در واقع ممنوع کردن استخدام خویشاوندان کارمند به طور کلی (برخلاف ممنوعیت به کارگماری خویشاوندان کارمندان در مشاغلی که ممکن است بر خویشاوند خود ارشدیت داشته باشد) می تواند به نقض موازین حقوق بشر در خصوص منع تبعیض بینجامد. بنابراین این ممنوعیت کارمند کشوری را از استفاده (یا سوءاستفاده) از منصب خود برای به کارگماری خویشاوند خود در مشاغل عمومی بازمی دارد. (پاپ، ۱۳۸۵، ۲۲۵)

یکی از نتایج خویشاوند گماری در سازمان ها، کاهش وفاداری می باشد؛ به ویژه در سازمان هایی که در آن یک خویشاوند صاحب منصب مدیریتی است و در این حالت کارمندان دیگر از این وضعیت ناراضی خواهند بود. بنابراین به نظر می رسد که خویشاوند هیچ کارمندی نباید عهده دار منصبی شود که رابطه مستقیم رئیس و مرئوسی با خویشاوند خود داشته باشد.

۴-۱-۲. پارتی بازی

پارتی بازی اصطلاحی موسع تر از خویشاوندگماری بوده و عبارت از ترجیح دوستان و همکاران. این اصطلاح در انگلستان به علقه خاطر هم مدرسه ای قدیمی یا گروه دوستان قدیمی معروف شده است. (پاپ، ۱۳۸۵، ۲۲۶)

پارتی بازی نیز همانند خویشاوندگماری سبب عدم انجام صحیح امور و کاهش شایسته سالاری می گردد و اعتماد عمومی را به سازمان های دولتی و در نهایت به کل یک نظام حکومتی سلب می کند. از این رو وضع قواعد و مقرراتی در این خصوص و نظارت بیشتر و مؤثر بر اقسام انتصابات استخدام ها و ترفیعات ضروری است.

۲-۲. اقدامات لازم جهت پیشگیری از تعارض منافع

در حقوق داخلی یکی از قوانین مهم مربوطه که نتیجه اجرای آن جلوگیری از تضاد منافع می باشد؛ لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ می باشد که مطابق آن برخی مقامات کشوری و لشگری و کلیه کارمندان دستگاه های دولتی و وابسته به آن، شهرداری ها، اشخاصی که به نحوی از خزانه دولت حقوق یا حق الزحمه مستمر دریافت می کنند و برخی شرکت ها (با شرایط خاص مقرر شده) حق شرکت در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلس یا شهرداری یا دستگاه های وابسته و مؤسسات مقرر در قانون را ندارند و حتی علاوه بر آن؛ پدر، مادر، برادر، خواهرزن یا شوهر، اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص فوق الذکر نیز از این حق محرومند. با توجه به این که قانون فوق تنها به ممنوعیت انجام معاملات و داوری با مؤسسات فوق الذکر می پردازد، وجود و تصویب قانونی که با شفافیت، موارد تعارض منافع را اعلام و سازوکارهای اجرایی جهت پیشگیری مناسب از فساد از طریق تعارض منافع نماید ضروری می باشد؛ هرچند که در سال های اخیر برخی مقررات فروتقینی به این موضوع به اجمال پرداخته اند، به عنوان نمونه طبق نظامنامه اخلاق و رفتار کارکنان گمرک، اشتغال کارکنان گمرک به تجارت یا حق العمل کاری و هر نوع حرفه دیگر که با انجام وظیفه آنها در گمرک ارتباط داشته باشد ممنوع اعلام شده است.

۳-۲. رعایت شایستگی

مفهوم شایستگی به این معنا است که افراد، کفایت لازم را برای انجام کار خود داشته باشند، البته این در حالی است که کفایت داشتن یک فرد به تنهایی سازمان را اصلاح نمی کند و مقوله کلان تر و فراتر از این رویکرد، استقرار نظام مدیریت بر مبنای شایستگی است. مدیریت بر مبنای شایستگی فرآیندی تلفیقی است که باعث قرار گرفتن افراد در جایگاه سازمانی مناسب، مطابق با توانایی ها، قابلیت ها و مهارت های حرفه ای شده و موجب گسترش صلاحیت های تخصصی و حرفه ای می شود. (دهقانان، ۱۳۸۵،

۱۲۵) در این میان توجه خاص در استخدام و انتصابات در دستگاه‌های دولتی از اهمیت فوق‌العاده‌ای در جهت پیشگیری اجتماعی از ارتکاب جرائم اقتصادی با سالم‌سازی محیط اجتماعی و حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم برخوردار است.

۲-۴. شایستگی در استخدام

زمینه‌سازی برای شایسته‌سالاری با محوریت اصلاح ضوابط موجود برای استخدام افراد در بخش‌های دولتی و عمومی غیردولتی در جهت تعیین معیارهای دقیق و روشن و پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی مناسب برای اطمینان از رعایت آن ضوابط، اصلاح ضوابط موجود جهت انتصاب اشخاص برای موقعیت‌های مختلف در بخش‌های موصوف در جهت تعیین معیارهای مشخص و نظارت بهینه بر رعایت این ضوابط، آگاه ساختن مردم از دلایل عزل و نصب افراد در موقعیت‌های مهم و تعیین معیارهای مشخص از نکات بسیار حائز اهمیت می‌باشند.

راهکارهای استخدام و تدارکات آن؛ به صورتی استاندارد تدوین و برای همه علاقه‌مندان قابل‌دسترس باشد و الزامات کافی و مناسب برای برگزاری آزمون و اعلام عمومی استخدام به‌ویژه استخدام‌های قراردادی باید تعیین شود و ضمانت اجرای کافی برای عدم رعایت مقررات استخدامی و اقدامات تبعیض‌آمیز در این زمینه برقرار گردد. در همین راستا اخذ سوابق کیفری، اجتماعی و خانوادگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. افرادی که در خانواده‌های پاک و درستکار رشد نموده‌اند به‌مراتب کمتر درگیر فساد خواهند شد. هم‌چنین با تحقیق از محل زندگی و حرفه پیشین شخص و نحوه عملکرد و رفتار وی، انضباط کاری و... می‌توان به نتایج مثبتی دست یافت. از سوی دیگر اشخاصی که دارای سوابق کیفری قبلی بوده‌اند بیشتر در مظان ارتکاب جرم از جمله جرائم اقتصادی و فساد قرار دارند. هرچند که طبق مقررات داخلی در بدو استخدام، اخذ گواهی عدم سوء‌پیشینه کیفری در ادارات و سازمان‌های دولتی الزامی می‌باشد لیکن متأسفانه سیستم ثبت سبج کیفری در ایران به‌طور کامل سوابق کیفری پیشین اشخاص را نشان نمی‌دهد.

به‌طورکلی می‌توان گفت قواعد رفتاری گاهی به‌عنوان بخشی از قرارداد استخدام نظام‌های دولتی و جامعه بازرگانی محسوب شده و حتی به‌وسیله کارمند ذی‌ربط امضا می‌شود. بعد از امضای این اصول، سوء اجرا می‌تواند به‌عنوان نقض قرارداد تفسیر شود. (رهبر، ۱۳۸۱، ۱۱۰) از سوی دیگر مجموعه قواعد رفتاری برای حرفه‌های مستقل و نمایندگان منتخب یا اعضای دولت ممکن است دارای ماهیتی متفاوت باشد. این اصول گاهی تنها برای خدمت فعال قابل کاربرد است و بخشی از قرارداد یک کارمند را تشکیل می‌دهد؛ اما ممکن است شامل مفادی باشد که هنگامی که کارمند مقام خود را از دست می‌دهد؛ به کار او بیاید.

۲-۵. شایستگی در انتصاب و ارتقاء

واقعیت این است که در نظام اسلامی کنونی ما انتصاب و اختصاص پست‌های سازمانی بر مبنای رفیق‌بازی، به‌صورت امری عادی در آمده و تبانی بین افراد متمول، سیاستمداران و عوامل بروکراسی اداری برای عبور از فیلترهای نظام اداری یک جریان پذیرفته شده است که نتیجه آن بروز فساد به‌ویژه در سطح کلان می‌باشد. (محمودی، ۱۳۸۴، ۴۰)

بنابراین ضروری است در گماردن افراد در پست‌های حساس، باید دقت لازم به عمل آورده و خلاصه‌ای از سابقه سبج قضایی آنان را مطالبه کرد، هم‌چنین از سوابق شغلی و فعالیت‌های موقتی ایشان نیز، اطلاعات لازم را به دست آورد. علاوه بر این باید توجه به مرتبط بودن حرفه و فعالیت‌های قبلی با شغل جدید مدنظر قرار گیرد. افراد منصوب شده باید اصول و ارزش‌های حاکم بر دستگاه‌های دولتی را به‌صورت جامع و کامل رعایت نمایند. (دهقانان، ۱۳۸۵، ۱۳۱)

علاوه بر بخش عمومی، جهت پیشگیری از فساد در بخش خصوصی نیز می‌بایست از فعالیتهای حرفه‌ای مقامات دولتی یا استخدام مقامات دولتی توسط بخش خصوصی بعد از استعفا یا بازنشستگی در جایی که فعالیت بخش خصوصی در ارتباط با شرح وظایف سازمانی کارکنان دولتی باشد، اجتناب نمود.

تصدی بیش از یک شغل دولتی از جانب یک شخص، خود می‌تواند یکی از عوامل فساد باشد؛ زیرا از یک طرف موجب کاهش کارایی در نتیجه تقسیم فرصت جهت انجام امور محوله گردیده که در این صورت شخص نمی‌تواند به نحو شایسته از عهده مسئولیت خود برآید و از طرف دیگر فرصت دسترسی افراد شایسته را به مشاغل مذکور کم می‌نماید.

مضافاً این که در همین راستا قانون «ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» در سال ۱۳۷۳ تصویب گردیده است که طبق این ماده واحده با توجه به اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر شخص می‌تواند تنها یک شغل دولتی را عهده‌دار شود. طبق تبصره ۹ این قانون؛ کلیه سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، مشمول این قانون قرار داده شده است. البته استثنائاتی نیز در نظر گرفته شده است؛ مانند خروج سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی از شمول این قانون مطابق با تبصره ۱ و اینکه مطابق تبصره ۳ شرکت و عضویت در شوراهای عالی، مجامع عمومی، هیئت‌های مدیره و شوراهای مؤسسات و شرکت‌های دولتی که به‌عنوان نمایندگان قانونی سهام دولت و به‌موجب قانون و یا در ارتباط با وظایف و مسئولیتهای و یا شغل سازمانی صورت می‌گیرد؛ شغل دیگر محسوب نمی‌شوند.

۳. حفظ و نگهداری اطلاعات و اسناد

هریک از اشخاصی که به مناسبت شغل و حرفه خود به یک سری اسناد و اطلاعات دسترسی دارند و به آن دست می‌یابند؛ می‌بایست در حفظ و نگهداری آن کوشا باشند و از در اختیار قرار دادن آن‌ها به اشخاص فاقد صلاحیت جلوگیری نمایند و البته خود نیز نباید از آن اطلاعات به نفع خود یا دیگری سوءاستفاده نمایند و به‌عبارت‌دیگر از این اطلاعات مکتسبه رانت‌خواری نمایند.^۳ در حقوق ایران هرچند این موضوع راجع به اسناد دولتی و کارگزاران عمومی می‌باشد لیکن با توجه به افزایش شرکت‌های خصوصی و فضای رقابت بین شرکت‌ها لزوم حفظ اطلاعات مربوطه در بخش خصوصی و توسط کارکنان این بخش نیز از اهمیت برخوردار بوده و می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. حفظ و نگهداری اطلاعات و اسناد و عدم استفاده ناروا از آن‌ها با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی تسهیل‌کننده جرم و افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهدکار که دو ضلع اصلی پیشگیری وضعی محسوب می‌شوند، (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ۱۵۷) نقش مؤثری در کاهش فساد مالی ایفا می‌نمایند.

۳-۱. حفظ اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده

منظور از نگهداری اسناد سری و محرمانه دولت مجموعه اعمالی است که از ابتدای انشای این اسناد تا تاریخ خروج آن‌ها از حالت سری یا محرمانه بودن انجام می‌شود تا اشخاص غیرمجاز به اسناد مذکور دست نیابند یا بر مفاد آن‌ها واقف نشوند. طبقه‌بندی اسناد دولتی به اعتبار مقدار مراقبتی که باید در حفظ آن‌ها صورت گیرد به ۴ طبقه به‌کلی سری، سری، خیلی محرمانه و محرمانه تقسیم‌بندی می‌گردد. در نظام حقوقی ایران علاوه بر ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات انتشار و افشای

۳. رانت‌خواری فرایندی است که طی آن شخص، گروه یا نهادی صاحب فرصت‌ها، موقعیت‌ها، امتیازات و اطلاعاتی شود که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و از این طریق به موقعیت‌های ممتاز اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دست می‌یابند. به نقل از فرج‌پور، مجید، فقر، فساد و تبعیض، موانع توسعه در ایران، انتشارات خدمات فرهنگی

اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۵۳/۱۱/۲۹ و قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ مقرراتی را راجع به حفظ و نگهداری اسناد و اطلاعات مقرر داشته‌اند.

طبق ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی، هر یک از کارکنان وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی که حسب وظیفه، مأمور حفظ اسناد سری و محرمانه دولتی بوده یا حسب وظیفه اسناد مزبور در اختیار او بوده و آن‌ها را انتشار داده یا افشا نماید یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهد یا به هر نحو، دیگران را از مفاد آن مطلع سازد یا کسانی که این اسناد را با علم و اطلاع از سری و محرمانه بودن، چاپ و منتشر نموده یا موجبات چاپ و انتشار آن را فراهم نمایند؛ به مجازات مقرر، محکوم می‌شوند. هم‌چنین مجازات برای اشخاصی که در اثر عدم رعایت نظامات یا غفلت و مسامحه ایشان مفاد اسناد افشا شود و نیز طبق ماده ۳ همان قانون برای اشخاصی که اطلاعات سری یا محرمانه دولتی را به نحوی به کسی که صلاحیت اطلاع بر آن را ندارد؛ بدهد یا موجبات افشا یا انتشار آن را فراهم نماید؛ مجازات تعیین نموده است.

ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی راجع به تخریب، ربودن یا معدوم نمودن نوشته‌ها، اسناد یا اوراق و مطالب که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آن‌ها هستند؛ سپرده شده باشد و نیز برای کسانی که در اثر اهمال ایشان جرائم مذکور به وقوع پیوند؛ مجازات تعیین نموده است.

علاوه بر آن، بند د ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی، نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب‌رجوع، سوابق حساب‌ها، عملیات و معاملات به مدتی که مشخص می‌شود را برای بانک‌ها، مؤسسات مالی اعتباری، بیمه، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادهای خیریه، شهرداری‌ها، دفاتر اسناد رسمی، وکلا، حساب‌رسان و حسابداران، کارشناسان رسمی و بازرسان برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی الزام نموده است.

در این قوانین برخی نقص‌ها و ایرادات به چشم می‌خورد:

اول این که اگر اشخاص غیردولتی که مطابق قانون مبارزه با پول‌شویی، سوابق اطلاعاتی و حساب‌ها و... را نگهداری نمایند تکلیف و ضمانت اجرایی مشخص نشده است.

دوم این که در خصوص اهمال در «نگهداری» اسناد و سوابق و در نتیجه افشا و انتشار آن‌ها نیز ضمانت اجرایی در قانون مبارزه با پول‌شویی و سایر قوانین مقرر نگردیده است.

البته ذکر این نکته ضروری می‌باشد که در خصوص حفظ و نگهداری اطلاعات و نحوه آن می‌بایست قبلاً آموزش‌های لازم به افراد مربوط، داده شود. به‌عنوان مثال از آن جا که معمولاً اطلاعات الکترونیکی در حد گسترده‌تری از اسناد کاغذی منتشر می‌شوند؛ می‌بایست سازمان‌ها اطمینان یابند که کارکنانشان به‌درستی آموزش دیده‌اند و احتیاط‌های فنی کافی برای حفظ محرمانگی و مصون ماندن اسنادی که از این قابلیت برخوردارند به عمل آمده است. کارفرمایان باید به امر آموزش کارکنان در زمینه ادله الکترونیکی توجه نمایند و درباره انواع پیام‌هایی که می‌بایست از آن‌ها خودداری کنند راهنمایی‌های لازم را داشته باشند. به کارکنان باید آموخت که چه وقت و چگونه پیام‌های الکترونیکی را از صندوق پست‌های الکترونیکی خود، حذف کنند و این که پیام‌های مهم و حساس را با گذاشتن علامت محرمانگی و اگر لازم باشد با علامت «دارای امتیاز ویژه» مشخص نمایند. باید به کارکنان آموزش داد که پیام‌های الکترونیکی، نوع دیگری از اسناد محسوب می‌شوند که به‌راحتی می‌توانند افشا شوند و باید احتیاط‌های لازم را پیش گیرند.

۳-۲. عدم استفاده ناروا از اطلاعات و اسناد به نفع خود یا دیگری

علاوه بر وظیفه حفظ و نگهداری اطلاعات و اسناد توسط افرادی که به مناسبت شغل و حرفه خود چه در بخش خصوصی و چه عمومی به اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده‌ای دسترسی دارند که دسترسی یا انتشار آن‌ها چه به‌عمد یا برحسب غفلت و سهل‌انگاری، برخلاف مقررات یا مصالح سازمان یا اداره، دولت یا جامعه می‌باشد؛ خود این اشخاص نیز نباید از این گونه اطلاعات و اسناد به نفع خود یا دیگری سوءاستفاده نمایند.

در نظام حقوقی ایران، همان‌گونه که در ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی اشاره گردید مسئله استفاده ناروا به نفع خود یا دیگری به‌طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته، لیکن با توجه کلیت ماده و اطلاق آن افشا یا انتشار اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده چه با سوءنیت، به‌قصد استفاده جهت نفع شخصی یا دیگری و چه بدون این قصد، مشمول ماده فوق قرار خواهد گرفت.

ماده ۸ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ نیز به‌طور خاص مقرر می‌دارد که اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجرای این قانون صرفاً در جهت اهداف تعیین شده در قانون مبارزه با پول‌شویی و جرائم منشأ آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت و افشای اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأمورین دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع و متخلف به مجازات قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری مدتی محکوم می‌شود. بنابراین همان‌گونه که مشخص می‌باشد دامنه شمول آن علاوه بر مأموران دولتی به اشخاص خصوصی که البته به‌طور خاص معین گردیده‌اند نیز تسری یافته است.

۴. قوانین ناظر بر پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی

در این قسمت ضمن تشریح چگونگی این قسم از پیشگیری، موضع قوانین ایران بررسی خواهد شد.

۴-۱. پیشگیری وضعی - فنی از طریق مؤسسات مالی و بانکی

با توجه به این که حجم عظیمی از عواید حاصل از فساد، پول‌شویی و سایر جرائم اقتصادی از طریق نظام‌های پولی و بانکی به جریان افتاده و به سیستم اقتصادی کشور تزریق می‌شود؛ لذا توجه و عملکرد این‌گونه دستگاه‌ها به این موضوع می‌تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. در این راستا سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تلاش نموده‌اند تا با مقرر نمودن طرق پیشگیری از طریق این‌گونه مؤسسات و توصیه به‌کارگیری آن به کشورها گام مؤثری را در پیشگیری از این جرائم بردارند و جامعه جهانی، نیز در این راستا تا حدی به وحدت اقدام برسد. در این بند، ضمن تشریح چگونگی این قسم از پیشگیری، موضع قوانین ایران در این زمینه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۱. شناسایی مشتری

در برخی از کشورها افتتاح حساب با نام غیرواقعی، جرم محسوب نمی‌شود. این‌گونه بانک‌ها از اخذ اوراق شناسایی کامل یا گزارش کردن موارد مشکوک به مقامات دولتی خودداری می‌کنند، درحالی‌که تلاش‌های بین‌المللی در دو دهه اخیر جامعه بین‌الملل را به سمت منع افتتاح چنین حساب‌هایی و تعیین هویت کامل مشتری هدایت و سوق داده‌اند. در همین راستا می‌توان گفت که انتشار اوراق قرضه بی‌نام نیز که جذابیت فراوانی برای مجرمان به‌ویژه پولشویان، با توجه به عدم تشخیص هویت مشتری و دارنده آن‌ها دارد؛ باید محدود شود و قانون‌گذاران در این زمینه تجدیدنظر نمایند.

آنچه از مجموع اسناد و مقررات بین‌المللی نمایان می‌باشد؛ این است که هویت مشتریان مؤسسات مالی و بانکی به‌ویژه مشتریان غیرثابت باید دقیقاً مشخص شود.

۴-۱-۱-۱. نحوه شناسایی مشتری

در ایران به موجب مواد ۱۱ و ۱۲ دستورالعمل شورای پول و اعتبار، در خصوص اشخاص حقیقی می‌بایست شناسایی با ملاحظه «مدارک معتبر و با اخذ معرفی‌نامه معتبر که به امضای حداقل یک نفر از مشتریان شناخته شده مؤسسه مالی مربوطه رسیده باشد و نیز اخذ اطلاعات در مورد سوابق متقاضی از سایر بانک‌هایی که متقاضی با آن‌ها رابطه مستمر بانکی داشته یا دارد با استفاده از گواهی اشتغال به کار و موارد مشابه و سایر روش‌های مطمئن به تشخیص مؤسسه صورت پذیرد».

به‌علاوه، به نظر می‌رسد با توجه به این که در سال‌های اخیر افرادی که در پوشش شرکت‌های تجاری و غیرتجاری به ارتکاب جرم دست می‌زنند رو به افزایش بوده و با هزینه‌ای بسیار پایین و عدم نظارت کافی بر تشکیل شرکت و حتی تعیین هویت ایشان به‌صورت دقیق به هنگام تشکیل شرکت روبرو هستیم، لذا به نظر می‌رسد علاوه بر اسناد مربوط به شرکت جهت افتتاح حساب می‌بایست بانک‌ها و مؤسسات مالی دقت و تلاش خود را راجع به تعیین هویت دقیق و واقعی آن‌ها مبذول نمایند.

۴-۱-۲. ضمانت اجرای عدم شناسایی مشتری توسط مؤسسه مالی و بانکی

چنانچه مشخص نباشد که شخص به‌عنوان اصیل یا نماینده از طرف خود یا شخص ثالث معامله می‌نماید؛ مؤسسه مالی و بانکی باید درباره هویت واقعی مالک ذی‌نفع یا طرف اصلی که مشتری از طرف او معامله می‌کند اطلاعات کافی کسب نماید و چنانچه بعد از انجام این بررسی درباره هویت واقعی مالک ذی‌نفع تردیدی باقی بماند، باید رابطه بانکی و مالی با وی قطع گردد «که البته این امر منوط به تصویب بالاترین مقام مؤسسه و یا فردی که به او تفویض اختیار شده یا کمیته تخصصی در این رابطه می‌باشد. (مصوبه شورای پول و اعتبار، ماده ۶) هرچند که این موضوع نیز متأسفانه در قانون مبارزه با پول‌شویی مسکوت مانده است.

۴-۱-۲. گزارش دهی

این موضوع در مورد جرائم پول‌شویی یکی از جنبه‌های کلیدی مقابله و پیشگیری می‌باشد. در ایران ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی بدون تعریفی از مشکوک بودن، گزارش معاملات و عملیات مشکوک را از طرف اشخاص و نهادهای مشمول آن قانون الزامی نموده است. لیکن بند ۴ ماده ۱ دستورالعمل شورای پول و اعتبار، عملیات مشکوک را معاملات و عملیاتی می‌داند که اشخاص با در دست داشتن اطلاعات و یا دلایل منطقی ظن پیدا کنند که این عملیات و معاملات به‌منظور پول‌شویی انجام می‌شود.

تشخیص این‌گونه معاملات امر دشواری می‌باشد و مقرراتی که کشورها را رهنمون به تشخیص معاملات و عملیات مشکوک نماید؛ وجود ندارد و این امر به عهده کشورها و یا برخی نهادهای خاص گذاشته شده است.

به‌طورکلی هر نوع معامله‌ای که فاقد توجیه اقتصادی یا قانونی باشد مشکوک تلقی می‌شود. به‌منظور تشخیص معاملات مشکوک باید نظارت مستمر و دائمی در خصوص عملیات بانکی مشتریان به‌ویژه حساب‌های آن‌ها وجود داشته باشد. عملیات و معاملات کمتر از سقف تعیین‌شده که موجب گزارش دهی می‌شود، بستن یک حساب و باز کردن حساب دیگر با همان نام یا به نام یکی از اعضای همان خانواده، خرید سهام یا اوراق مشارکت با پولی که از خارج وارد شده یا انجام همین عمل پس از سپرده‌گذاری، حواله وجه به بانک دیگر بدون ذکر نام، بازپرداخت اقساط معوقه وام از طریق ضبط وثیقه سپرده شده به بانک (وثیقه‌ای که می‌تواند منشأ نامشروع و غیرقانونی داشته باشد)» (جزایری، ۱۳۸۲، ۷۳-۷۴)

در ایران، تنها مصوبه شورای پول و اعتبار به این موضوع به‌صورت کلی پرداخته و طبق ماده ۷ این مصوبه، این وظیفه به عهده بانک‌ها و مؤسسات اعتبار غیربانکی دارای مجوز از بانک مرکزی گذاشته شده است تا با دستورالعمل‌های داخلی خود چگونگی تشخیص مواردی که باید به بانک مرکزی گزارش شود را مشخص نمایند که در این راستا به نظر می‌رسد اتخاذ رویه واحد برای کلیه مؤسسات و جهت رفع عملکردها ضروری است.

۳-۱-۴. اشخاص ملزم به ارائه اطلاعات، وظایف و مصونیت‌ها

وفق ماده ۵ قانون مبارزه با پول‌شویی، کلیه بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداری‌ها مکلف به اعلام گزارش موارد مشکوک شده‌اند. منظور از مؤسسه مالی نیز وفق بند ۳ از ماده ۱ دستورالعمل شورای پول و اعتبار، بانک‌های دولتی و غیردولتی، مؤسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، صرافی‌های مجاز، صندوق‌های تعاون، صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتبار که در چهارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار فعالیت می‌کنند؛ می‌باشد. لازم به ذکر است در خصوص وکلا، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی این الزام پس از درخواست شورای پول و اعتبار به وجود می‌آید (ماده ۶ قانون مبارزه با پول‌شویی). این‌گونه مؤسسات مالی و پولی موظف‌اند اطلاعات درخواستی را در موارد مشکوک و یا معاملات بیش از مبلغ مشخص، مطابق قوانین و مقررات مربوطه به مراجع صالح گزارش نموده و در این زمینه به رازداری حرفه‌ای یا بانکی نمی‌توانند استناد نمایند.

هم‌چنین وظیفه دیگر این مؤسسات محرمانه نگهداشتن این گزارشات و عدم اطلاع به مشتری می‌باشد. در حقوق داخلی نیز ماده ۱۹ مصوبه شورای پول و اعتبار مقرر نموده: اعضای هیئت‌مدیره، مدیران یا کارکنان مؤسسات مالی به‌هیچ‌وجه مجاز نیستند اطلاعات موارد مشکوک مربوط به متقاضیان و مشتریان مظنون را در اختیار آن‌ها و یا اشخاص ثالث قرار دهند. این اقدام جهت جلوگیری از اقدام افراد مظنون در جهت اخفا ادله و منابع جرم خود، مفید و مؤثر به نظر می‌رسد.

وظیفه دیگر مؤسسات مالی مربوطه ملزم به گزارش دهی، فوریت ارائه گزارش جهت جلوگیری از محو ادله و تسهیل مقابله با آن از سوی مراجع ذی‌صلاح قانونی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر این‌گونه مؤسسات می‌بایست در حین انجام معامله یا عملیات بانکی «فوراً» مراتب را اعلام و گزارش نمایند» (ماده ۱۷ دستورالعمل شورای پول و اعتبار).

۴-۱-۴. حفظ و نگهداری سوابق

الزام به حفظ و نگهداری سوابق مربوط به افتتاح حساب، احراز هویت مشتری و طرفین درگیر در معامله، عملیات بانکی و معاملاتی و گزارش‌های موارد مشکوک آن‌ها به مراجع صالح به‌منظور توانایی پاسخ به درخواست مراجع ذی‌صلاح برای کسب اطلاعات ضروری می‌باشد؛ اما در این میان باید به حفظ حریم شخصی افراد در تمام سطوح نیز توجه کرد.

ماده ۸ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران هرگونه افشا اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در قانون را ممنوع اعلام و ضمانت اجرای آن، محکومیت مطابق قانون مجازات انتشار و افشاء اسناد محرمانه مصوب ۱۳۵۳ می‌باشد.

۵-۱-۴. آموزش اشخاص ملزم به اعلام گزارش

با توجه به پیچیده و مشکل بودن تشخیص معاملات مشکوک به‌عنوان مهم‌ترین رکن در اعلام گزارش و لزوم رعایت دقیق قانون، اخذ اطلاعات و نحوه آن؛ مراجع صالح مربوطه می‌بایست آموزش‌های لازم به این‌گونه مؤسسات مالی و اعتباری و سایر اشخاص درگیر و موظف به اعلام گزارش در جهت هر چه بهتر اجرا شدن قانون داده شود.

بند ۴ ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی و بند ۴ ماده ۷ و ماده ۲۰ مصوبه شورای پول و اعتبار بر این موضوع تأکید نموده‌اند. بند ۴ ماده ۷ مصوبه فوق‌الذکر، آموزش مطلوب کارکنان را به‌صراحت جهت پیشگیری از عملیات مشکوک مؤثر دانسته است.

به نظر می‌رسد جهت آموزش اشخاص غیردولتی مسئول و ملزم به ارائه گزارش، می‌بایست این‌گونه آموزش‌ها به‌طور جامع و هماهنگ و مطابق دستورالعمل‌های صادره از طرف مراجع نظارتی مربوطه یا کانون‌های مربوطه باشد و با ابلاغ این‌گونه دستورالعمل‌ها به ایشان، عذر غیرموجه این‌گونه مؤسسات در عدم اطلاع مسدود گردد. ضمن این‌که در خصوص مؤسسات دولتی

به لحاظ ماهیت و شیوه عملکرد، می‌توان نظارت قوی‌تر برقرار و حتی از طریق کلاس‌های آموزشی به سهولت به هدف مورد نظر دست یافت.

۶-۱-۴. ایجاد واحد اطلاعات مالی

جهت سهولت و بررسی کارشناسانه موارد مربوط به معاملات و عملیات مشکوک، ایجاد واحد اطلاعات مالی پیشنهاد شده است. این واحد مسئول جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات و موارد گزارش شده و نیز حسب مورد انتشار و اعلام آن‌ها به مراجع قضایی یا اجرایی جهت اقدام قانونی می‌باشد.

در ماده ۴ قانون مبارزه با پول‌شویی، تشکیل شورایی به نام شورای عالی پول‌شویی جهت جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و ارزیابی گزارش‌های واصله، شناسایی معاملات مشکوک و تهیه سیستم‌های اطلاعاتی، هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط و ... مقرر گردیده است که این شورا به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و متشکل از وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی خواهد بود.

با توجه به مراتب فوق به نظر می‌رسد ترکیب اعضای این شورا هرچند از یک جهت به لحاظ موقعیت و داشتن قدرت لازم جهت ضمانت اجرای مقررات مناسب می‌باشد؛ لیکن از سوی دیگر با توجه به ضرورت کارشناسی موارد مربوطه؛ ایجاد هیئت تخصصی در این زمینه ضروری است. علاوه بر آن مسئولیت وظایف فوق بر دوش اشخاصی که دارای مسئولیت‌های زیاد و فرصت کم می‌باشد، مؤثر بودن و نتیجه عملکرد این شورا را با مشکل روبرو می‌کند.

۲-۴. ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد

رقابت به هر شکلی که باشد سبب بهبود عملکرد اقتصاد و افزایش کارایی آن می‌شود و از آن جایی که دخالت دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی سرچشمه بسیاری از انحصارات زیان‌آور و موانع ورود بنگاه‌های جدید به بازار و سایر اقدامات ضد رقابتی می‌باشد؛ هر قدر سهم دولت از درآمد ملی و تسلط آن بر اقتصاد کشور بیشتر باشد؛ بازار از وضعیت رقابتی دورتر شده و با عدم کارایی بیشتری همراه خواهد بود.

ایجاد چنین فضای رقابتی مستلزم خصوصی‌سازی و افزایش فعالیت بخش‌های خصوصی در چرخه اقتصاد از یک طرف و آزادسازی و کاهش انحصار از طریق کاهش مداخله دولت در امر اقتصاد می‌باشد. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که هر قدر اقتصاد یک کشور متمرکزتر، پرپیچ و خم‌تر، بورکراتیک‌تر و دولتی‌تر باشد؛ احتمال بروز مفاسد مالی و اقتصادی در آن بیشتر است. از این رو در این بند به‌طور مختصر به این موضوع پرداخته می‌شود.

۱-۲-۴. خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی را می‌توان تلاشی در جهت پررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیم‌های دولت به‌عنوان کارگزار اقتصادی دانست. خصوصی‌سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن در سطوح و زمینه‌های گوناگون کنترل یا مالکیت و یا مدیریت از بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده می‌شود. به‌این ترتیب در نهایت، دامنه نفوذ مستقیم دولت بر فعالیت‌های اقتصادی محدود می‌شود و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد. (اردشیری، ۱۳۸۶، ۳۵۲)

خوشبختانه پس از فرمان ۸ ماده‌ای رهبر انقلاب، حرکت نوینی در جهت شناسایی فساد اقتصادی صورت گرفت و یکی از راهکارهای مبارزه با فساد، ساختار شکنی ساختار متمرکز اقتصادی (اقتصاد دولتی) و کاهش تصدی‌گری دولت در قالب واگذاری نهادها و شرکت‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی بوده است. (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱، ۱۶۳) آنچه در روند خصوصی‌سازی حائز اهمیت است، شفافیت و ایجاد شرایط رقابت و جلوگیری از انحصار و رانت است.

۲-۲-۴. آزادسازی و کاهش انحصار دولتی

آزادسازی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالا و خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می‌باشد. اهم این اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رهاسازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه‌های خارجی و محدودیت‌ها، استفاده از مشارکت سرمایه‌گذاری. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰، ۷۴۱) به‌طور کلی انحصار به وضعیتی از بازار اطلاق می‌شود که سهم یک یا چند بنگاه و یا شرکت از عرضه یا تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار دارا باشند و یا ورود بنگاه‌ها یا شرکت‌های جدید به بازار با محدودیت مواجه شود. (اردشیری، ۱۳۸۶، ۳۵۹)

بنابراین یکی از موارد عدم دسترسی به اهداف اقتصاد مقاومتی و همچنین یکی از علل فساد مالی و اقتصادی و نیز برخی دیگر از جرائم اقتصادی نظیر جرائم گمرکی، محدودیت تجاری است. محدودیت‌های تجاری نمونه‌های بنیادی و اولیه فرصت‌های ایجاد شده به‌وسیله دولت‌ها جهت رانت است. اگر وارد کردن برخی کالاها تابع یک سلسله محدودیت‌ها باشد؛ اجازه‌های لازم برای واردات به یک کالای با ارزش تبدیل شده و واردکنندگان، رشوه دادن به مقاماتی که این فرصت‌های استراتژیک را کنترل می‌کنند را مورد ملاحظه خود قرار می‌دهند. همچنین حفظ و حمایت از یک کالای داخلی در مقابل رقابت‌های خارجی از طریق تعرفه‌ها، یک فرآیند نیمه انحصاری برای صنایع محلی ایجاد می‌کند. بنابراین آزادسازی و کاهش انحصار دولتی را می‌توان روش مستقیمی جهت کنترل دولت و پیشگیری از جرائم اقتصادی و در نهایت دسترسی به اهداف اقتصاد مقاومتی دانست.

۳-۴. پیشگیری از جرائم اقتصادی در قراردادهای دولتی تأمین کالا

بیشتر نظام‌های حقوقی، مناقصه را بهترین روش دستیابی به اهداف کلی مقررات تأمین کالا و خدمات عمومی می‌دانند. (پاتنی افسوس، ۱۳۸۴، ۶۰) مناقصه فرایندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه)، که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کمترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود (ماده ۲ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳).

منظور از مناقصه دولتی کارآمد نظارتی است که مرتب و منظم، با حداقل دیوان سالاری کار می‌کند و درعین حال پاسخگوی نیازهای کاربران نهایی کالاها و خدمات هم هست. (پناهی، ۱۳۸۲، ۳۷) هدف اصلی برگزاری مناقصه، صرفه‌جویی اقتصادی و خرید به قیمت کالاها و خدمات در نظامی است که منظم و با حداقل دیوان سالاری، کارآمدی خرید دولت را تضمین کرده و با شفاف‌سازی فرایند خرید، پاسخگوی کلیه ذی‌نفعان از حساب‌برسان دولت گرفته تا شرکت‌کنندگان برنده و غیربرنده مناقصه باشد. باید گفت شفاف‌سازی در فرایند مناقصه و سازوکارهای مناسب تقنینی رکن اساسی در پیشگیری از وقوع برخی از جرائم اقتصادی به‌ویژه فساد اقتصادی می‌باشد که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳-۴. شفافیت

از دیدگاه اقتصادی، شفافیت به معنی اطلاع‌رسانی حقیقی و همه‌جانبه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و روشن بودن سازوکارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی تولید و توزیع ثروت در جامعه است. عدم شفافیت نظام مالی و اقتصادی موجب عدم ثبات، اختلال در تخصیص بهینه منابع و تشدید بی‌عدالتی و نابرابری‌ها می‌گردد و راه را برای انواع فساد مالی و اقتصادی و رانت‌خواری فراهم می‌آورد. در نبود یا کاهش شفافیت، می‌توان با پرداخت رشوه، فهرست شرکت‌کنندگان صلاحیت‌دار و فاقد

صلاحیت را در مناقصه‌ها تعیین و یا تغییر داد. کارکنان ذی‌ربط با رشوه قادرند نام فردی را به فهرست مناقصه وارد کرده یا فهرست مزبور را به نفع مناقصه‌گزاران رشوه‌دهنده محدود کنند.

به نظر می‌رسد استفاده از وسایل الکترونیکی برای بهبود مدیریت فرایند خرید کالا و خدمات توسط دولت، به‌واسطه تأثیر بسیار زیادی که بر کارایی و اثربخشی دولتی، فرایند سازمان‌دهی مجدد نهادها، سطوح بهره‌وری و توان رقابت‌بناگاه‌ها و همچنین سطح اعتماد عمومی و شفافیت خواهد داشت، یکی از مؤلفه‌های اصلی اصلاحات در بخش دولتی به حساب می‌آید. (باقری اصل، ۱۳۸۵، ۱۰)

در مجموع می‌توان گفت این اقدامات که در راستای پیشگیری فنی از جرائم اقتصادی می‌باشند؛ با اطلاع‌رسانی گسترده و شفافیت در روند برگزاری مناقصات و تهیه کالا و خدمات نقش مؤثری در کاهش این‌گونه جرائم ایفا می‌کنند.

۲-۳-۴. سازوکارهای قانونی، نقایص و ایرادات

یکی از روش‌های برگزاری مناقصه، مناقصه محدود می‌باشد که در آن به تشخیص و مسؤولیت بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار، محدودیت برگزاری مناقصه عمومی با ذکر ادله تأیید شود. فراخوان مناقصه در این روش از طریق ارسال دعوت‌نامه برای مناقصه‌گران صلاحیت‌دار، براساس ضوابط مربوط به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد. بر همین سیاق، مقدار کمی از تأمین‌کنندگان بالقوه می‌توانند با سازمان‌های دولتی معامله کرده و از فرصت‌های کسب‌وکار بهره‌مند گردند (دست‌کم به دلیل بی‌اطلاعی از نیازهای سازمان‌های دولتی محلی). این وضعیت حتی اگر منتهی به فساد مالی و اقتصادی نگردد، موجب سوءظن عمومی نسبت به منصفانه بودن فرایندهای خرید دولتی شده و سطح اطمینان را تنزل می‌دهد.

یکی دیگر از روزه‌های فساد در انعقاد قراردادهای مناقصه، در بخش تأمین هزینه‌های آن می‌باشد. در قراردادهایی که مقطوع نبوده و جهت پرداخت هزینه به تأیید گزارش‌های کاری و برآورد حجم کار نیاز است؛ امکان سوءاستفاده‌های فراوانی وجود دارد. از این رو با توجه به هزینه‌های پنهان در مناقصه‌ها، انعقاد قراردادهای مقطوع گامی مهم جهت شفافیت و در نتیجه پیشگیری از این سوءاستفاده‌ها و فساد مالی خواهد شد. (باقری اصل، ۱۳۸۵، ۱۰)

از دیگر سازوکارها جهت پیشگیری از فساد مالی، تهیه فهرست سیاه از اشخاص حقیقی و حقوقی متخلف جهت محرومیت از انعقاد قرارداد، انجام معامله، قبول شرکت در مناقصه‌ها و مزایده‌ها با دستگاه‌های مربوطه دولتی و عمومی و همچنین دریافت تسهیلات مالی و اعتباری از دستگاه‌های مذکور و یا تضمین اشخاص ثالث در معاملات بزرگ مندرج در قانون برگزاری مناقصات می‌باشد که این وظیفه قاعداً برعهده وزارت اطلاعات می‌باشد.

با این وجود به نظر می‌رسد محکومیت‌هایی که سبب ورود اشخاص به لیست سیاه می‌گردد؛ در برخی موارد به‌درستی تنظیم و مقرر نشده است. به عنوان مثال، محکومان به مجازات شلاق در هر جرم مالی عمدی و یا مجازات دو بار یا بیشتر به هر میزان در جرائم عمدی مالی مشمول لیست سیاه قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که منطقی به نظر نمی‌رسد که محکومیت در هریک از انواع مختلف جرائم مالی به‌اندازه‌ای مهم باشد که سبب محرومیت از شرکت در مناقصه گردد؛ بلکه می‌بایست تنها انواع خاصی از جرائم مالی عمدی که مرتبط با فساد مالی و سایر جرائم اقتصادی از قبیل ارتشاء، اختلاس، کلاه‌برداری و... می‌باشد؛ مشمول قانون و محرومیت‌های آمده در آن گردد تا بدین‌وسیله از محدود کردن فضای رقابت درجایی که جرم‌های ارتكابی قبلی سنخیتی با وقوع جرائم احتمالی آتی ندارد جلوگیری شود.

۴-۴. پیشگیری از جرائم اقتصادی از گذر سازوکارهای تقنینی - نظارتی

قوانین و مقررات معیوب یا ناقص میل به ارتکاب انواع جرائم اقتصادی را بیشتر می‌نماید. در این راستا یکی از روش‌های پیشگیری فنی اصلاح چنین قوانین و مقرراتی می‌باشد. از سوی دیگر ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی، نبود نظام ارزیابی و کنترل مدیریت، نارسا بودن شیوه‌ها و روش‌های کنترلی، زمینه بسیار مساعدی در جهت ارتکاب چنین جرائمی به وجود می‌آورد. از این رو، در این بند به این دو موضوع که از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه فنی - وضعی تلقی می‌گردند مطرح می‌باشند، پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱. پیشگیری از جرائم اقتصادی از طریق اصلاح قوانین

در ایران، جرائم گمرکی و قاچاق کالا از مهم‌ترین جرائم اقتصادی بوده که با توجه به ضعف قوانین و مقررات موجود، ارتکاب آن‌ها تسهیل می‌گردد. همچنین سیستم مقررات ثبتي موجود نیز راه را جهت ارتکاب برخی جرائم اقتصادی نظیر تطهیر پول فراهم می‌آورد از این رو اصلاح قوانین، مقررات و ساختارهای اجرایی مرتبط، نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع این‌گونه جرائم دارد.

۴-۴-۱-۱. اصلاح مقررات مالیاتی

از جمله مشکلات نظام مالیاتی کشور، ساختار نظام مالیاتی است به‌گونه‌ای که درآمدهای مالیاتی سهم ناچیزی از کل درآمدهای دولت و تولید ناخالص ملی را تشکیل داده است و بخش عمده همین درآمدهای اندک مالیاتی نیز به‌صورت مالیات‌های مستقیم می‌باشد؛ بنابراین اصلاح نظام مالیاتی کشور طی چند دهه همواره یکی از مسائل مهم اقتصادی در سطح کلان بوده است. از جمله مشکلات نظام مالیاتی که زمینه‌ساز بروز بسیاری از مفاسد اقتصادی بوده است

قوانین مالیاتی باید به‌آسانی در دسترس و قابل فهم باشند و ضوابط روشن راهنمای اعمال اختیارات اداری باشد و باعث کاهش قضاوت کارکنان مالیاتی گردیده و آزادی عمل مقام‌های مالیاتی را محدود سازد.

از جمله مواردی که آزادی عمل زیادی به مقام‌های مالیاتی می‌دهد، ماده ۱۶۷ قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحی ۱۳۸۰) می‌باشد که اختیار تقسیط ۳ ساله بدهی مالیاتی مؤدیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه به‌طور یکجا نیستند را به سازمان امور مالیاتی می‌دهد و ماده ۴۰ همان قانون نیز اخذ تضمین جهت تقسیط را بدون ایجاد ضابطه‌ای خاص در اختیار سازمان قرار داده است. به نظر می‌رسد اختیار داده شده به ادارات امور مالیاتی در خصوص قبول یکی از انواع تضمین معتبر یا سپرده بسیار کلی بوده و امکان اعمال سلیقه مختلف در این خصوص در سطح وسیع وجود دارد؛ به‌علاوه هزینه تهیه و ارائه تضمین‌های مذکور هم با هم بسیار متفاوت است. ماده ۲۳۸ نیز به‌صورت کلی اختیار کاهش مالیات تعیین شده را به مسئول مربوطه در ادارات امور مالیاتی داده است بدون اینکه چارچوب و ضابطه‌ای برای آن تعیین شود. این‌گونه موارد که اختیار اعمال نظر زیادی به مقامات مالیاتی می‌دهد، باعث گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد مالی مقام‌های دولتی و فرار مالیاتی می‌گردد. از سوی دیگر متوازن کردن نرخ‌های مالیاتی، کاهش فرار مالیاتی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا در صورتی که از یک سو نرخ‌های مالیاتی از حدی بالاتر باشد که مالیات‌دهندگان آن‌ها را مشروع ندانند و از سوی دیگر سازمان‌دهی ضعیف وصول مالیات، موجب افزایش فرار مالیاتی خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت در کنار عواملی نظیر کاهش ارتباط مستمر و مستقیم بین مؤدی و مسئولان مالیاتی که نقش مهمی در کاهش فساد مالی ایفا خواهد نمود و نوعی پیشگیری وضعی از جرم تلقی می‌شود؛ وضع مقررات شفاف مالیاتی، کاهش اختیار مقامات مالیاتی در وصول مالیات و کاهش معافیت‌های مالیاتی، نقش مثبتی در پیشگیری از جرائم مالیاتی، خواهد داشت.

۴-۴-۲. اصلاح مقررات گمرکی

معمولاً یکی از مجاری ورودی کالاهای قاچاق به شیوه‌ای پیچیده و پنهانی نه فقط در کشورما بلکه در اکثر کشورهای دنیا حتی کشورهای پیشرفته، مبادی گمرکات است. پایین بودن ریسک قاچاق و هزینه‌های بالای حقوق ورودی و همچنین پیچیدگی و

گسترش فرایند واردات رسمی موجب می‌شود که برخی از وارد کنندگان برای تسریع و کم‌هزینه شدن واردات، اقدام به قاچاق با شیوه‌هایی نظیر جاسازی کالا در کالا، جعل اسناد، تنظیم اظهارنامه‌ای نادرست یا تبانی با مأموران کنترل‌کننده نمایند. در این میان علاوه بر نقش بسیار ارزنده ادارات گمرک در صیانت از جامعه و اجرای سیاست‌های اقتصادی همچون کسب درآمد برای دولت، ایجاد رقابت سالم و قانونی فعالیت‌های اقتصادی و مبارزه با قاچاق، وجود قوانین مناسب در جهت جلوگیری یا کاهش قاچاق امری ضروری می‌باشد.

قوانین مختلف و پیچیده در امر واردات و حتی مبارزه با کالاهای قاچاق به افزایش این جرم اقتصادی دامن زده است. «علاوه بر قوانین و مقررات مختلف، بخشنامه‌ها و مقررات متعدد و سخت اجرایی در اکثر ادارات فعلی به هنگام اظهار کالا و گرفتن مجوزهای مختلف و باز کردن اعتبارات اسنادی، ارتباط با سیستم‌های پیچیده بانکی و ... می‌شود را باید به مشکلات موجود بر سر راه کشور افزود». (آقازاده، ۱۳۸۵، ۱۵۹) بنابراین به نظر می‌رسد حذف تشریفات زائد قانونی در کنار قوانین هماهنگ و شفاف و حذف معافیت‌هایی که ارتکاب این‌گونه جرائم را افزایش می‌دهد از نکات اصلی پیشگیری از جرائم گمرکی و قاچاق کالا محسوب می‌شود.

۳-۱-۴-۴. اصلاح مقررات ثبتی

در ایران، به دلیل کمبودهای موجود در ثبت و انتقال اموال غیرمنقول، از جمله عدم امکان دسترسی به اطلاعات دارایی غیرمنقول افراد، وجود راه‌های قانونی برای ثبت و اثبات معاملات غیررسمی، دیوان‌سالاری و موانع متعدد تنظیم سند و نرخ بالای حق الثبت، آسان بودن ثبت شرکت‌ها بدون انجام تحقیقات و ... عمده ایراداتی است که شرایط سهلی برای ارتکاب جرائم اقتصادی از قبیل تطهیر پول و کلاهبرداری‌های کلان فراهم می‌آورد. اصلاح این نقص‌ها به پیشگیری از وقوع این جرائم کمک می‌نماید. در واقع اصلاح این مقررات که نوعی پیشگیری فنی محسوب می‌شود؛ مانعی در مسیر ارتکاب جرم ایجاد نموده و فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.

۴-۱-۴-۴. اصلاح نظام ثبت املاک

به موجب قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ که ثبت املاک را اجباری نمود، هر حوزه ثبتی به چند بخش تقسیم و بخش‌های ثبتی جهت اعلام ثبت عمومی آگهی گردیده و با رعایت تشریفات قانونی، تقاضای ثبت املاک در آن بخش پذیرفته شده است. شماره‌گذاری املاک براساس توزیع اظهارنامه ثبتی در دفتر توزیع اظهارنامه به عمل می‌آید. نحوه شماره‌گذاری املاک نیز به این صورت است که برای یک قریه و قصبه عمده مالک، یک پلاک ثبتی اصلی تعیین و اگر خرده مالکی نیز در کنار مالکین عمده بود، برای خرده مالک نیز پلاک فرعی از پلاک اصلی اختصاص داده می‌شود و برای املاک و مستغلات شهری نیز برای هر ملک یک پلاک ثبتی اصلی و در صورتی که پلاک اصلی دارای مالکین متعددی باشد که تصرف مفروض داشته‌اند؛ قانون اصلاح مواد ۱، ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۷۰ (موضوع ماده ۱۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک) می‌باشد که برای صدور سند مالکیت تنها اثبات تصرف بلامنازع و وجود بنا پیش از تاریخ ۱۳۷۰ را کافی می‌داند و تاریخ معامله، قیمت و نحوه پرداخت، هیچ دخالتی در صدور سند مالکیت ندارد و وجود سند عادی صرفاً اماره‌ای برای صدور سند مالکیت است که حتی این اماره هم به راحتی قابل تنظیم در هر زمان برای تاریخ پیش از سال ۱۳۷۰ می‌باشد. با توجه به مراتب فوق، استفاده از راهکار مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت نیز یکی از راه‌های تسهیل ارتکاب جرم تطهیر پول است؛ برای این امر کافی است ملکی که دارای اعیانی مستحدثه پیش از ۱۳۷۰ می‌باشد، توسط مجرمان سازمان‌یافته با سند عادی از مالکین آن خریداری و تقاضای صدور سند مالکیت شود. این راهکار حتی زمان پرداخت بها را تا سال ۱۳۷۰ به عقب می‌برد و اگر هم پیگیری قضایی

وجود داشته باشد، مجرمان می‌توانند مدعی پرداخت بها از طریق سیستم بانکی باشند، زیرا اسناد بانکی قبل از سال ۱۳۷۰ نیز تاکنون از بین رفته است. (آیت الهی، ۱۳۸۲، ۱۵۰)

اعتبار دادن به اسناد عادی، با توجه به ماده ۴۶ قانون ثبت اسناد و املاک، با این استدلال که انجام معامله بدون ثبت آن ممکن بوده و ثبت ملک جزو تشریفاتی است که می‌توان بعدها به آن پرداخت، باعث گردیده که به‌رغم ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک که مقرر می‌دارد «همین که ملک مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسیده، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد، مالک خواهد شناخت»، دعوی مستند به سند عادی هم در مقابل سند رسمی در دادگاه قبول شود. «این رویه، این خطر را در پی خواهد داشت که مجرمان سازمان‌یافته، معاملات خود را توسط اسناد عادی و به تاریخ سال‌های پیشین انجام دهند و نگران سند رسمی ملک نباشند؛ زیرا علاوه بر راهکار مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت، همیشه امکان طرح دعوی و الزام به تنظیم سند رسمی از طریق دادگاه ممکن است». (آیت الهی، ۱۳۸۲، ۱۵۰) بنابراین می‌توان با اعاده اعتبار اسناد رسمی و البته با کاهش دیوان‌سالاری و تسهیل ثبت رسمی سند، از وقوع این‌گونه جرائم و نیز فساد مالی، پیشگیری نمود.

۵-۱-۴. اصلاح مقررات راجع به ثبت شرکت‌ها

امروزه با توجه به سهل بودن مقررات ثبت هرگونه شرکت، اعم از سهامی خاص، با مسئولیت محدود و ... عده‌ای با ثبت چنین شرکت‌هایی به‌صورت صوری و زیرپوشش آن، به فعالیت‌های مجرمانه نظیر کلاهبرداری و یا پول‌شویی می‌پردازند. بنابراین، اولاً ضروری است که حداقل مبلغ جهت ثبت شرکت‌ها با توجه به نرخ تورم، افزایش یافته و ثانیاً در هنگام ثبت شرکت تجاری، افراد مؤسس از تخصص‌های لازم مربوط برخوردار بوده و مدارک لازم را دارا باشند، ثالثاً بر نحوه فعالیت شرکت مبنی بر اینکه آیا به صورت صوری تشکیل یافته و یا در حیطه حدود و اختیارات قانونی و ثبت شده خود، فعالیت پویا دارد، نظارت گردد و در صورت مغایرت جهت انحلال آن‌ها از طریق مراجع ذی‌صلاح اقدام گردد، این امر در پیشگیری از جرم به‌ویژه جرائمی نظیر کلاهبرداری، تطهیر پول و فساد مالی نقش مؤثری ایفا می‌نماید.

۲-۴-۴. پیشگیری از جرائم اقتصادی از طریق نظارت‌های سازمانی بر فعالیت‌های مالی

می‌توان با قاطعیت گفت که فساد اقتصادی مالی در شکل‌های مختلف در دستگاه‌های اداری وجود دارد و سازمان‌های نظارتی به‌رغم تمامی تلاش‌های انجام شده، قادر به مقابله و برخورد با آن نبوده‌اند و مجموعه اقداماتی که تحت عنوان نظارت و بازرسی در کشور انجام می‌گردد به لحاظ موانع و محدودیت‌ها از کفایت و کارایی لازم برخوردار نبوده و نتوانسته نقش مؤثری ایفا نماید. دستگاه‌های نظارتی درون‌سازمانی علی‌رغم این‌که از اشراف بیشتری بر امور سازمان خود برخوردار بوده و قبل از وقوع هرگونه جرم می‌توانند از آن جلوگیری نمایند و بنابراین نقش مؤثری در پیشگیری از جرائم اقتصادی و به‌ویژه فساد مالی و اقتصادی ایفاء نمایند، اما تا حد زیادی وابسته به دستگاه‌های اجرایی خود بوده و از استقلال لازم برخوردار نیستند. در حال حاضر تشکیلات و سازمان مستقلی برای ذی‌حسابی‌ها پیش‌بینی نگردیده است و از نظر منابع مالی و انسانی مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های خود وابسته به دستگاه‌های اجرایی می‌باشند. در تبصره ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی تصریح شده که ذی‌حساب باید وظایف خود را زیر نظر رئیس دستگاه اجرایی انجام دهد. این حکم قانون با انجام وظیفه نظارتی مقرر در ماده فوق مغایرت دارد. زیرا منطقی نیست که به شکلی جایگاهی هم زیرمجموعه جایگاه دیگری باشد و هم ناظر به جایگاه بالاتر باشد. لذا استقلال مقام ناظر شدیداً تضعیف می‌شود. در تبصره ۲ ماده ۲۱ در رابطه با مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صدور حکم ذی‌حسابی از سوی وزارت

امور اقتصاد دارایی منوط به موافقت دستگاه ذی‌ربط شده است. در چنین حالتی بدیهی است که استقلال ذی‌حساب‌ها بیشتر تضعیف می‌شود. (همدمی، ۱۳۸۳، ۲۷۲) «دستگاه‌های نظارتی و حتی خزانه‌داری کل و ذی‌حسابان فقط مقدار وصولی را در صورت حساب‌های مربوط، ثبت و به حساب‌های بانک مرکزی واریز می‌نمایند». (محسنی، ۱۳۸۲، ۳۸)

استفاده از روش‌های نو و استفاده از فن‌آوری اطلاعات و «نظارت‌های مستقیم رایانه‌ای، غیرحضوری و مکاتبه‌ای و نیز نظارت‌های غیرمستقیم که توسط افرادی خارج از سازمان‌های نظارتی به‌وسیله کارکنان و مسئولان دستگاه‌ها صورت می‌گیرد و با اعطای نمایندگی یا گزارش‌گیری و فرم‌های خود اظهاری به‌صورت مستمر از دستگاه‌ها امکان‌پذیر می‌باشد؛ روش‌هایی است که کمتر سازمان‌های نظارتی اتخاذ نموده‌اند.

در کنار ابزار فوق، وجود افراد به تعداد کافی و دارای صلاحیت‌های لازم جهت بازرسی، امری ضروری می‌باشد. در قانون و مقررات، معیاری برای انتخاب بازرسان وجود ندارد. ماده ۵ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور تنها به ذکر این مورد که بازرس یا هیئت‌های بازرسی حسب مورد از بین قضات یا متخصصین و کارشناسان برجسته و مورد اعتماد انتخاب می‌گردد بسنده نموده است. درحالی‌که به نظر می‌رسد باید ضابطه روشن و مشخص جهت افراد ناظر و بازرسان وجود داشته باشد تا با توانایی، شناخت و فهم موضوع بتوانند ارزیابی صحیح از عملکرد دستگاه مورد بازرسی و کنترل را ارائه نمایند. در غیر این صورت تصمیم‌گیرنده‌ها را گمراه نموده و تصمیمات نابجا اتخاذ خواهد شد.

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، توجه ویژه به نظارت و کنترل امور سازمان‌ها یا واحدهایی از سازمان‌هایی که بیشتر در معرض ابتلا به فساد اقتصادی هستند باید در مرحله برنامه‌ریزی برای مقابله با جرائم اقتصادی به‌ویژه فساد مالی و تعیین اولویت‌های کار موردتوجه قرار گیرد. به‌عنوان نمونه، نظارت بر قراردادهای خارجی، طرح‌های بزرگ، نظام‌های بانکی و مالیاتی و بورس به‌عنوان اولویت اصلی باید اعلام شود.

۳-۴-۴. لزوم ایجاد هماهنگی بین مراجع نظارتی

تعدد سازمان‌های نظارتی و عدم تصویب قانون جهت ارتباط قانونمند و سیستمی میان سازمان‌های نظارتی باعث ایجاد فعالیت‌های موازی و ایجاد هزینه‌های زیاد و کم‌اثر گردیده است. این ناهماهنگی و عدم ارتباط سبب شده است تا حاصل اقدامات و نتایج فعالیت‌های دستگاه‌های نظارتی برای یکدیگر قابل بهره‌برداری نباشد. در یک سیستم ارتباطی صحیح نتایج اقدامات نظارتی هر یک از سازمان‌های نظارتی بر اساس یک راهبرد مشخص باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به معضل فوق در بین نهادهای نظارتی؛ تلاش‌هایی از سوی سازمان بازرسی کل کشور جهت تدوین مقرراتی در این خصوص با تشکیل شورای عالی سیاست-گذاری و هماهنگ‌کننده صورت گرفت که به لحاظ اختلاف در جایگاه و تداخل به نتیجه نرسید و در پی عدم تصویب چنین شورایی؛ بین سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور، سند تعامل و همکاری در تاریخ ۸۵/۳/۱۶ تنظیم گردید. طبق این سند همکاری، برای انجام مطلوب وظایف و تدوین برنامه‌های عملیاتی مناسب نسبت به شناسایی موضوعات، تعیین اولویت-های کاری و تبادل اطلاعات، تشکیل بانک‌های اطلاعاتی، تشکیل گروه‌های بازرسی و حسابرسی مشترک در مأموریت و موضوعات مشخص و تهیه گزارش تلفیقی این دو نهاد با یکدیگر همکاری و تشریک‌مساعی می‌نمایند.

با توجه به نبود مقررات قانونی خاص در زمینه همکاری و هماهنگی بین نهادهای نظارتی؛ به نظر می‌رسد ابتکار سازمان بازرسی کل کشور در اقدام فوق در صورت اجرای صحیح آن؛ راهی مفید جهت جلوگیری از تشتت اقدامات تلقی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بی‌تردید در هر نظام سیاسی و اقتصادی همه به دنبال ابراز پاکدستی خود و نشان دادن تلاش‌هایشان برای فراهم کردن محیطی عاری از سوءاستفاده‌های اقتصادی و مالی هستند. با عمیق‌تر شدن شکاف میان فقیر و غنی و فاصله افتادن میان توانایی و تحقق آرزوهای حداقلی ایرانیان از سویی و ایجاد «قله‌های ثروت» که معمولاً در کنار گودال‌های عمیق فقر سر برآورده‌اند زمینه‌های عینی ضرورت مواجهه با مفاسد اقتصادی را که نه در راستای «تولید ثروت ملی» است و نه منفعتی عمومی به دنبال دارد را آشکار کرده است. با توجه به این واقعیت که فساد مالی و اقتصادی امروزه به معضلی جهانی تبدیل شده است و تمامی کشورهای جهان اعم از توسعه‌یافته، در حال توسعه و جهان سوم از پیامدهای مخرب آن در امان نمی‌باشند، بحث در خصوص اقدامات و تدابیری که بتوانند از بروز چنین معضلی پیشگیری نماید و یا اینکه در صورت وقوع آن، مرتکبین را مجازات و خسارات وارده را جبران کند اهمیتی دوچندان می‌یابد.

به‌طورکلی، انواع فساد اقتصادی را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد: دزدی و سوءاستفاده از امکانات و اموال دولتی توسط کارمندان دولت، پرداخت رشوه برای نادیده گرفتن نقض قوانین و مقررات از جانب رشوه دهنده، پرداخت رشوه برای تبعیض در اعطای فرصت‌ها و امکانات دولتی به بخش خصوصی، پرداخت رشوه به قانون‌گذاران برای تغییر قوانین به نفع گروه‌های خاص در بخش خصوصی و پرداخت رشوه به مسئولان قوه قضائیه برای اعمال نفوذ در قضاوت و ... رویکرد قوه قضائیه در مبارزه قاطعانه با مفاسد اقتصادی و توأمان حفاظت و صیانت از «امنیت اقتصادی» این شرایط را به وجود آورده است که قوه قضائیه بتواند نقش خود را در تحقق «اقتصاد مقاومتی» ایفا نماید.

آنچه بدو، از اصطلاح اقتصاد مقاومتی به ذهن متبادر می‌شود الگویی برای شرایط غیر عادی مانند شرایط جنگ و بحران یا تحریم اقتصادی است؛ اما چنین الگویی، پس از برطرف شدن شرایط خاص، موضوعیت خود را از دست خواهد داد؛ لذا الگویی موقتی و اقتضایی است، در حالی که الگوی اقتصاد مقاومتی هم شرایط بحران و هم شرایط عادی را در بر می‌گیرد. در شرایط عادی، این الگو، با برجسته کردن مؤلفه‌های رشد و عدالت و با توجه به برقراری شرایط ثبات اقتصادی در ایجاد شکوفایی و ایجاد رفاه همراه عدالت، اهداف اساسی خود را دنبال می‌کند. در شرایط بحران نیز با برجسته‌سازی مؤلفه انعطاف‌پذیری امکان تعقیب اهداف اساسی را فراهم خواهد کرد. با وجود تمام تأکیدات مقام معظم رهبری در به‌کارگیری اقتصاد مقاومتی، متأسفانه هنوز؛ نظریه‌ای علمی و قابل‌سنجش در محافل دانشگاهی از اصطلاح اقتصاد مقاومتی صورت نگرفته است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تحت تأثیر تحول اشکال جرائم و شیوه‌های ارتکاب آن، با اقتباس از مواد یک و سیزده قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، اصطلاح جرائم اقتصادی را بدون تعریف، در ماده ۱۰۹، در کنار جرائم علیه امنیت و جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر به کار برد و ضمن خارج ساختن این جرائم از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در بند ج ماده ۴۷ و نیز مرور زمان، مصادیق آن را با توسل به نظام احاله در تبصره ماده ۳۶ همین قانون برشمرده و آن را شامل کلاهبرداری و جرائم سیزده‌گانه احصا شده در تبصره ماده ۳۶ دانست. با توجه به ویژگی‌های جرائم اقتصادی می‌توان مصادیق مذکور در تبصره ماده ۳۶ را که عمدتاً تخصصی و فنی و پراکنده در قوانین خارج از قانون مجازات اسلامی است، منطبق با آن ویژگی‌ها دانست لیکن جرم کلاهبرداری که قانون‌گذار در ماده ۱۰۹ آن را یک جرم اقتصادی دانسته است با هیچ کدام از این ویژگی‌ها قابل انطباق نیست در واقع، جرم کلاهبرداری، جزء جرایم مالی است که به نقض حقوق مالی اشخاص مربوط می‌شود و با مفاهیم حقوق مدنی، به ویژه حقوق قراردادهای، ارتباط تنگاتنگ دارد نه با مفهوم جرم اقتصادی. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد جرائم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مورد تصریح مقنن قرار گرفته شده است که بر این اساس و مطابق با تبصره ماده ۳۶ این قانون جرائم اقتصادی شامل رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال

توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی می‌باشند. اما در خصوص شق دوم پرسش نخست باید گفت به نظر می‌رسد که مجازات‌های تعیین‌شده در قوانین ایران در برخی از موارد همچون کلاه‌برداری، اختلاس و ارتشاء از شدت عمل بسیار زیادی برخوردار است و در برخی از موارد نیز همچون پولشویی یا مداخله در معاملات خارجی از بازدارندگی و شدت کافی برخوردار نباشد. به نظر می‌رسد که باید برای این ناهماهنگی میان مجازات‌های در نظر گرفته شده برای جرائم اقتصادی چاره‌ای اندیشید و در مواردی همچون پولشویی که مجازات‌های در نظر گرفته بسیار ناچیز تلقی می‌شوند اصلاحاتی در قوانین صورت پذیرد. بنابراین باید گفت سیاست جنایی تقنینی ایران در این خصوص فاقد انسجام و کارایی لازم می‌باشد. اما صرف شدت تعیین مجازات‌های شدید برای مبارزه با جرائم اقتصادی کافی نیست و در کنار تعیین مجازات‌های معقول و منطقی باید تغییراتی در شیوه رسیدگی به جرائم اقتصادی و همچنین تغییراتی در قوانین نظارتی صورت پذیرد. علی‌الاصول زمانی جرم انگاری و تعیین مجازات تأثیر بازدارندگی خواهد داشت که رسیدگی به جرائم از سرعت و دقت کافی برخوردار باشد به‌گونه‌ای که بزهکار اقتصادی بالقوه احساس نماید که در صورت ارتکاب جرم به‌احتمال قریب به یقین مجازات خواهد شد. در چنین حالتی می‌توان امیدوار بود که مبارزه اصولی با جرائم اقتصادی صورت خواهد گرفت؛ بنابراین ضروری است تا برای جرائم اقتصادی دادگاه‌های اختصاصی با قضاتی متخصص در این امر شکل بگیرد و رسیدگی به این جرائم نیز خارج از نوبت باشد. هم چنین باید گفت قوه قضاییه به سه طریق می‌تواند با جرائم اقتصادی مقابله نماید:

نخست: تهیه لوایح: مطابق با اصل ۱۵۸ قانون اساسی تهیه و تدوین لوایح قضایی در زمره صلاحیت‌های ذاتی و اصلی قوه قضاییه است. قوه قضاییه می‌تواند با بازبینی در این مقررات و تدوین و اصلاح قوانین در کاهش جرائم اقتصادی نقش داشته باشد. دوم: اقدامات پیشگیرانه: مطابق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را یکی از وظایف قوه قضاییه دانسته است؛ بنابراین قوه قضاییه در این راستا می‌تواند با هماهنگی نهادهای متولی امر اقتصاد همچون وزارت اقتصاد، در جهت کاهش جرائم اقتصادی تصمیمات و اقدامات پیشگیرانه اتخاذ کند.

سوم: کشف جرم و تعقیب متهمین: مهم‌ترین وظیفه و کار دستگاه قضایی، کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین است که برابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضاییه شناخته شده است. بیشترین و در عین حال مهم‌ترین محوری که قوه قضاییه به صورت مستمر و گسترده در ارتباط با جرائم اقتصادی قرار می‌گیرد موضوع رسیدگی به اعلام جرم‌ها و شکایت و همچنین دعاوی ضرر و زیان و جبران خسارتی است که در ارتباط با جرائم اقتصادی در دادگاه‌های دادگستری مطرح می‌گردد. بنابراین قوه قضاییه می‌تواند هم در حوزه پیشگیری کیفری و هم در مفهوم مضیق پیشگیری یعنی پیشگیری غیر کیفری در ارتباط با جرائم اقتصادی به ایفای نقش پردازد.

در مجموع باید گفت قوانین مرتبط با جرائم اقتصادی بدون توجه به الزامات اقتصاد مقاومتی می‌باشد و نمی‌توان پذیرفت که در ذهن قانون‌گذاران دست‌یابی به اهداف اقتصادی مقاومتی بوده است؛ اما با اصلاحاتی در قوانین حاضر که ابعاد مختلف جرائم اقتصادی را شامل می‌شود می‌توان امیدوار بود که اهداف و الزامات اقتصاد مقاومتی در پرتو سیاست جنایی معقول تحقق و اجرایی گردد.

منابع

الف) منابع فارسی:

- ۱- احمدی، عبدالله. ۱۳۸۲. کتاب قاچاق، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
 - ۲- اردشیری، منصور. ۱۳۸۶. خصوصی سازی در آموزش عالی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۵.
 - ۳- آقازاده، علیرضا. ۱۳۸۵. قاچاق کالا، نشر آثار اندیشه، چ اول.
 - ۴- آیت‌اللهی، محمدصادق. ۱۳۸۲. پیشگیری از تظهير درآمدها و سرمایه‌های نامشروع (مجرمانه) از طریق اصلاح نظام ثبتی اموال غیرمنقول، پولشویی (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی)، نشر وفاق.
 - ۵- باقری‌اصل، رضا و طلوع، علیرضا. ۱۳۸۵. راه‌های جامع تهیه و تدارک الکترونیکی کالا و خدمات (مناقشه‌گزارى الکترونیکی)، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. بودجه‌ریزی در ایران. ۱۳۸۱. مسائل و چالش‌ها، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
 - ۷- پاتى افسو - امه، دلیو، سوپرامین، راج و اپرتی، کیشور. ۱۳۸۴. چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد مالی، ترجمه احمد رنجبر، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
 - ۸- پاپ، جرمی، ۱۳۸۵. پارلمان و قانون‌گذاری علیه فساد، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۲.
 - ۹- پناهی، علی و بندری، لیلا. ۱۳۸۲. ابعاد اقتصادی مناقصات دولتی و ویژگی‌های فرایند حاکم بر آن‌ها (تجربه جهانی)، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۹.
 - ۱۰- جزایری، مینا. ۱۳۸۲. پول‌شویی و مؤسسات مالی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۰.
 - ۱۱- دهقانان، حامد. ۱۳۸۵. مدیریت بر مبنای شایستگی (ضرورت‌ها و راهکارها)، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۳.
 - ۱۲- رهبر، فرهاد، میرزاوند ف، زال پور ع. ۱۳۸۱. بازشناسی عارضه فساد مالی. جلد دوم، چاپ اول.
 - ۱۳- عبدالمالکی، هادی، ۱۳۸۹. تبیین راهکارهای عملی مقابله با مسئله فساد اقتصادی در نظام اداری، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد
 - ۱۴- طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری کشور، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰.
 - ۱۵- محسنی، عباس و اصلانی، رشید. ۱۳۸۲. بودجه‌ریزی در ایران، مسوولیت محاسباتی و نظارت‌های مالی و عملیاتی، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
 - ۱۶- محمودی، مهدی. ۱۳۸۴. نقش فرهنگ سازی قاضی در کنترل فساد، مجله تدبیر، شماره ۱۶.
 - مرادی، صدیقه، ۱۳۹۶، جرایم اقتصادی و راهکارهای پیشگیری - روزنامه اتفاق، استان مرکزی، شماره ۷۷۳
 - مصطفی پور، منوچهر، ۱۳۹۵، بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آن، شماره ۳ و ۴، صص ۵۳ و ۷۶
 - نجف پور، شعبان و حق شناس، محمدجواد، ۱۳۸۸، جریان آزاد اطلاعات و مبارزه با فساد - دوهفته نامه گزارش پژوهشی سازمان بازرسی کل کشور، سال دوم، شماره نهم
 - ۱۷- نجفی ایرند آبادی، علی حسین. ۱۳۹۰. مباحثی در علوم جنایی، ویراست ششم به کوشش شهرام ابراهیمی، دانشگاه شهید بهشتی.
 - ۱۸- ولیدی، دکتر محمد صالح. ۱۳۷۷. حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، نشر خیام، چاپ ششم.
 - ۱۹- همدی خطبه‌سرا، ابوالفضل. ۱۳۸۳. فساد مالی، علل زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (ب) منابع لاتین:

www.gio.ir–Available at:<http://insct.syr.edu/uploadedFiles/insct/uploadedfiles/PDFs/>

Available at:http://www.um.edu.mt/__data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth.

Briguglio L, Gordon Cordina, Nadia Farrugia and Stephanie V, 2008. Profiling Economic Vulnerability and Resilience in Small States: Conceptual Underpinnings Economics Department, University of Malta.

Sjogren, Hans, and Skogh, Goran, 2004, New perspective on Economic crime Edward Elgar publishing limited, UK.

Soares R.R. 2004, Development, Crime and Punishment: Accounting for the International Differences in Crime Rates, Journal of Development Economics.

Briguglio, Lino, and Stephen Piccinino, "Growth and Resilience in East – [Www.HaghGostar.ir](http://www.HaghGostar.ir)

Asia and The Impact of the 2009 Global Recession.